

جایگاه و نقش روحانیت در نظام اسلامی از دیدگاه امامین انقلاب

محمد ملک‌زاده*

چکیده

روحانیت متعهد در طول تاریخ تشیع وظایف بسیار مهمی در راستای هدایت فکری و اعتقادی مسلمانان و مبارزه با سلطه دشمنان اسلام بر جامعه اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی - اجتماعی برعهده داشته است؛ این وظایف به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی - که با طلایه‌داری قشر مردمی و انقلابی صورت گرفت - بسی حساس‌تر و خطیرتر گردید. از دیدگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای رسالت اصلی روحانیت، حفظ روحیه انقلابی و دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی است. از دیدگاه رهبر انقلاب، انقلابی‌گری خصیصه ذاتی و همیشگی انقلاب اسلامی است و از این رو بقاء نظام جمهوری اسلامی نیز که محصول انقلاب اسلامی است، بدون حفظ روحیه انقلابی و عمل به ارزش‌های انقلاب اسلامی میسر نیست. این مهم تنها با حضور و پیشگامی روحانیت متعهد از طریق حفظ ارتباط صمیمانه و مستمر با مردم و هوشیاری در برابر توطئه‌های عناصر نفوذی دشمنان اسلام و انقلاب امکان‌پذیر خواهد بود.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، امام خمینی علیه السلام، حوزه‌های علمیه، روحانیت، وظایف و کارکردها

مقدمه

برقراری نظام جمهوری اسلامی در بهمن ۵۷ ایران با اتکا به نظریه ولایت مطلقه فقیه و مبانی عقلایی و منطقی آن در کنار حمایت گسترده مردم مسلمان ایران، از یک سو بدیلی استثنایی در میان نظام‌های سیاسی جهان اسلام به وجود آورد و از سوی دیگر نظام‌های لیبرال دموکراسی غرب را با چالش جدی مواجه ساخت. نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه گرچه ظاهراً در ارکان سه‌گانه اجرایی، قضایی و تقنینی با ساختار نظام‌های به اصطلاح دموکراسی غرب شباهت دارد اما از نگاه کارشناسان سیاسی بی‌طرف، جمهوری اسلامی در عین تفاوت ماهوی با نظام‌های غربی توانسته است، الگوی واقعی نظام مردمسالاری دینی را به پشتوانه قیام و هدایت روحانیت به جهانیان عرضه نماید. از دیدگاه بنیانگذار و رهبر انقلاب اسلامی تداوم و پیشبرد اهداف انقلاب نیازمند انقلابی ماندن و انقلابی عمل کردن روحانیت و حوزه‌های علمیه در چارچوب ارزش‌های انقلاب اسلامی است. این موضوع و شیوه‌های تحقق آن در پژوهش حاضر در خلال تبیین بایسته‌های حوزه‌های علمیه در نظام اسلامی از منظر امامین انقلاب مورد بررسی قرار گرفته است.

پرچمداری روحانیت در انقلاب اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی ایران را به دلیل برخی ویژگی‌های منحصر به فرد به‌عنوان یک الگوی مناسب از انقلاب‌های الهی در عصر حاضر معرفی می‌کند؛ از مهمترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی برخوردار از عنصر دین و جلوداری روحانیت در آن است که آن را در نوع خود بی‌نظیر ساخته است. از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، حضور، پیشگامی و هوشیاری روحانیت تشیع در جریان انقلاب اسلامی ایران را باید یکی از مهم‌ترین علل و عوامل تعیین‌کننده در پیروزی انقلاب دانست: «اگر روحانیون کشور ما در میدان نبودند و پرچم انقلاب به دوش آن‌ها نبود، این پیروزی به دست نمی‌آمد». (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۶۸/۱۲/۲) ایشان در تبیین نقش روحانیت شیعه در پیروزی انقلاب و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، آن را استمرار نقش تاریخی این جریان در طول قرن‌های متمادی در برابر تهاجمات دشمنان اسلام ارزیابی می‌کنند: «روحانیت، عنصر اصلی در مبارزات

پانزده‌ساله منتهی به پیروزی انقلاب و سپس در تشکیل نظام مقدس اسلامی و برافراشتن پرچم اسلام در جهان و در مقاومت پرشور ملت ایران در برابر تهاجم‌های گوناگون دشمنان و پیش از این‌ها و در طول قرن‌های متمادی، عامل اصلی حفظ معارف اسلامی و ایمان عمیق و صادقانه ملت ایران به مکتب حیات‌بخش اسلام و رشد تفکرات دینی در همه‌جا بوده است» (پیام آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹/۳/۱۰).

رهبر انقلاب همچنین اقبال مردم به مساجد که توسط علما به‌عنوان پایگاه انقلاب تعیین شد را یکی از علل و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی می‌داند: «یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی (و یا لافل سهلت این پیروزی)، این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند. جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام مساجد را به‌عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت، روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته رژیم طاغوت شد» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹).

یکی دیگر از مهم‌ترین علل پیروزی انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، تجلی ایمان و حفظ و تقویت ارتباط با خدا از سوی رهبری نهضت امام خمینی علیه السلام بوده است: «اگر امام علیه السلام آن عوامل اصلی معنویت، ارتباط با خدا، کار برای رضای او، تقوا و انجام تکلیف را نمی‌داشت، نه انقلاب به پیروزی می‌رسید، نه شما مردم این‌گونه عاشقش می‌شدید، نه می‌توانست این طوفان را در دنیا به وجود آورد و نه قادر بود در مقابل تهدید و ارباب دشمن، مثل کوه بایستد» (بیانات در دیدار فرمانده و جمعی از پاسداران کمیته انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۳/۱۸).

وظایف و کارکردهای علما و روحانیت در نظام اسلامی

با توجه به پرچمداری حوزه‌های علمیه در انقلاب اسلامی و نقش روحانیت به‌عنوان علت محدثه در پیروزی انقلاب، بقای انقلاب و نظام اسلامی نیز طبعاً به حضور روحانیت انقلابی در صحنه انقلاب وابسته است. این مهم وظایف روحانیت به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی را - که با طلایه‌داری این قشر مردمی و انقلابی صورت گرفت - بسی حساس‌تر و

خطیرتر نموده است. در ادامه برخی از مهمترین وظایف روحانیت و حوزه‌های علمیه در نظام اسلامی را از دیدگاه امامین انقلاب مرور می‌کنیم:

۱. هدایت افکار و اعتقادات مردم

از نگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی مهمترین دلیل حقد و کینه جریان جاهلی از روحانیت و علمای متعهد این بوده که آنان در طول تاریخ اسلام و تشیع مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کجروی‌ها بوده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۲۷۳) از این رو برخلاف رویکردی که وظیفه روحانیت و حکومت اسلامی را هدایت مردم به سمت بهشت و رستگاری نمی‌داند، آیت‌الله خامنه‌ای مسئولیت دینی نمودن جامعه و هدایت افکار و اعتقادات مردم در مسیر الهی را متوجه روحانیت و علمای دین می‌کند:

«اگر همه تخصص‌های مورد نیاز یک جامعه به بهترین شکل وجود داشته باشد اما جامعه، دینی نباشد، آن ملت در دنیا و آخرت دچار خسران و مشکلات واقعی خواهد بود و این مسئولیت عظیم؛ یعنی تبدیل جامعه به جامعه‌ای دینی، بر عهده علمای و روحانیت و طلاب است (بیانات در دیدار مدیران، مدرسان و طلاب حوزه‌های علمیه تهران، ۹۵/۳/۱۵). ایشان مفهوم هدایت افکار و اعتقادات مردم و به‌طور کلی هدایت دینی آنان را «تبیین اندیشه‌های ناب اسلامی» توسط علمای دین می‌داند و با اشاره به تأثیر فضای مجازی در افزایش شبهات دینی و وجود انگیزه‌های سیاسی برای تزریق افکار منحرف و غلط در ذهن جوانان، درباره وظیفه روحانیت در این شرایط می‌فرماید:

«این میدان، میدان واقعی جنگ است و روحانیون و طلاب باید مسلح و آماده، وارد عرصه مقابله با شبهات و تفکرات غلط و انحرافی شوند ... راه انبیا، ترویج این تفکر اصیل است و روحانیون نیز ادامه‌دهنده همین راه سعادت بخش؛ یعنی هدایت دینی مردم هستند» (همان).

هدایت افکار و اعتقادات مردم به هدایت عملی آنان منتهی می‌شود، چنانکه رهبر معظم انقلاب هدایت عملی مردم را مکمل هدایت اندیشه‌ای آنان دانسته و از روحانیون می‌خواهند «با بهترین روش‌ها، مردم را به عبادات و ظواهر و مصادیق دینی از جمله صدق، امانت، تقوا، ترک منکر، امر به معروف و سبک زندگی صحیح» هدایت نمایند (همان).

۲. بصیرت‌افزایی و هدایت سیاسی

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، هدایت سیاسی جامعه اسلامی با توجه به عدم جدایی دین از سیاست در اسلام بر عهده روحانیت اصیل و آگاه و علماء دینی است تا با اتکاء به مبانی دینی اسلام، هدایت صحیح جامعه را در این زمینه برعهده گیرند. لازمه این امر از دیدگاه ایشان، انقلابی ماندن حوزه‌های علمیه است که می‌تواند حرکت انقلابی کشور و جامعه را تداوم بخشد: «علت تأکید مکرر بر ضرورت انقلابی بودن حوزه‌های علمیه این است که استمرار حرکت صحیح و انقلابی کشور و جامعه، بدون حضور مستمر روحانیت امکان‌پذیر نیست» (بیانات در دیدار مدیران، مدرسان و طلاب حوزه‌های علمیه تهران، ۱۳۹۵/۳/۱۵). عدم استمرار این حضور می‌تواند نتایج زیانبار و جبران‌ناپذیری برای جامعه اسلامی به همراه داشته باشد و انقلاب را از رسیدن به اهداف والای خویش بازدارد. همچنانکه دو واقعه تاریخی «مشروطیت و نهضت ملی به علت استمرار نیافتن حضور روحانیت به اهداف خود نرسید» اتفاقی که با هوشیاری بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی علیه السلام به وقوع نپیوست و ایشان اجازه نداد که «دشمن، حضور روحانیت را در حرکت عظیم انقلاب و پس از آن متوقف کند، چراکه در غیر این صورت، نه انقلاب پیروز می‌شد و نه جمهوری اسلامی به حرکت خود ادامه می‌داد» (همان). آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان شاهدهی بر این ادعا به جریان بیداری اسلامی در کشورهای عربی مثال می‌زند که «دین»، مردم را به میدان کشاند اما چون دستگاه‌های دینی متفرق بودند، این کار استمرار نیافت و بیداری به نتیجه لازم نرسید، اما در جمهوری اسلامی، تداوم حضور علما و روحانیون و در نتیجه حضور مردم در عرصه‌ها، استمرار حرکت انقلاب را ممکن کرده است (همان).

۳. رابطه صمیمانه با مردم

عزت روحانیت در رابطه صمیمانه او با مردم است. رهبر انقلاب مصداق آشکار صمیمیت در رابطه با مردم است. میشل فوکو با بی‌نظیر دانستن نقش رهبری امام خمینی علیه السلام در انقلاب ایران نسبت به انقلاب‌های دیگر می‌گوید: «شخصیت آیت‌الله خمینی، پهلو به افسانه‌ها می‌زند. هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی‌ای حتی به پشتیبانی همه رسانه‌های کشورش نمی‌تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین شخصی و چنین نیرومند دارند» (فوکو، ۱۳۷۹، ص ۶۴).



۴. ارتباط مستمر با جوانان

جوانان اصلی‌ترین و فعال‌ترین مخاطبان انقلاب اسلامی ایران هستند. جوان بودن جامعه اسلامی ما به همان اندازه که در بالندگی و پویایی نظام اسلامی مؤثر است به همان میزان بر مسئولیت بیشتر مسئولان فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه روحانیت اصیل و انقلابی در حفظ تعامل صحیح با این قشر- فعال اجتماعی تأکید می‌ورزد تا آنان را در برخورد با تهاجمات سنگین تبلیغی و فرهنگی دشمنان که با هدف تحت تأثیر قرار دادن جوانان به راه افتاده است، حمایت و همراهی نماید. بدون شک پیروزی، پیشرفت و بالندگی انقلاب اسلامی ایران مرهون تلاش جوانان متعهد، انقلابی و با نشاط ایران اسلامی است. از این رو آیت‌الله خامنه‌ای یکی از وظایف روحانیت را برقراری و حفظ ارتباط مستمر و مؤثر با جوانان می‌داند. از دیدگاه ایشان روحانیت باید با نگاه خوش‌بینانه به نسل جوان انقلاب آنان را باور کند؛ حرف دل آنان را بشنود و در حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های اصیل اسلامی ایشان را همراهی نماید (بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹).

۵. پرهیز از تجملات

از مهمترین معضلات یک کشور اسلامی و انقلابی را می‌توان معضل گرایش به اشرافی‌گری و تجملات غرب‌گرایانه دانست. این مسئله به تعبیر مقام معظم رهبری موجب بلای جامعه و گسترش فساد داخلی می‌گردد:

«جلوی فساد باید گرفته بشود. جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود؛ اشرافی‌گری بلای کشور است. وقتی اشرافی‌گری در قلّه‌های جامعه به‌وجود آمد، سرریز خواهد شد به بدنه؛ [آن وقت] شما می‌بینید فلان خانواده‌ای که وضع معیشتی خوبی هم ندارد، وقتی می‌خواهد پسرش را داماد کند یا دخترش را عروس کند یا فرض کنید مهمانی بگیرد، مجبور است به سبک اشرافی حرکت بکند. وقتی اشرافی‌گری فرهنگ شد، می‌شود این! جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود. رفتار مسئولین، گفتار مسئولین، تعالیمی که می‌دهند، باید ضد این جهت اشرافی‌گری باشد؛ کما اینکه اسلام این جوری است (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۵/۵/۱۱).

حضرت علی علیه السلام درباره این رویکرد اسلامی می‌فرماید: «خداوند بر پیشوایان دادگر واجب فرموده است که خویش را با مردم تهیدست برابر گیرند، تا ناتوانی و تنگدستی بر تهیدستان گران نکند و به نگرانی نیفکند» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹). این موضوع از آرمان‌های انقلاب اسلامی و ویژگی‌های ارزشمند رهبری آن است. دوست و دشمن اذعان می‌کنند اقتدار امام علیه السلام ناشی از ایستادگی در برابر غرب در عین ساده‌زیستی ایشان بود. لوسین ژرژ در مقاله‌ای که پس از مصاحبه با امام خمینی علیه السلام در روزنامه لوموند پاریس و ماه‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی چاپ نمود با اشاره به زندگی ساده و در عین حال مقتدرانه امام می‌نویسد:

«در پیچ یکی از کوچه‌های تنگ نجف که خانه‌هایش برای آن که سپری در مقابل تابش سوزان آفتاب باشد، سخت به هم فرو رفته است، مسکن مُحَقَّر آیت‌الله خمینی علیه السلام قرار دارد. این خانه نظیر مسکن فقیرترین افراد نجف است. در سه اتاق این خانه، حداکثر دوازده تن از نزدیکان وی حضور داشتند. در این مسکن مُحَقَّر هیچ نشان و علامتی دیده نمی‌شود و اگر آیت‌الله خمینی قدرت آن را دارد که ایران را به حرکت درآورد و قیام برانگیزد، این قدرت مسلماً ناشی از تسلط و اقتدار وی بر افکار مردم ایران است؛ اقتداری که پس از تبعید وی از ایران به جای آن که کم شود، ده برابر شده است (لوسین ژرژ، ۱۹۷۸م، روزنامه لوموند).

بر همین اساس آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند: «محبوبیت روحانیت، در تجمّل و اشرافیگری او نیست؛ در سادگی و بی‌پیرایگی اوست. تجمّل و اشرافی‌گری روحانیون، برایشان مضرّ است. آلوده شدن به برخی از پیرایه‌ها و ظواهری که در زندگی معمولی مردم عادی است، برای روحانیون مضرّ است (بیانات در جمع طلاب مدرسه فیضیه، ۱۳۶۶/۹/۱۱).

۶. حضور مستقیم در عرصه خدمات اجتماعی

آیت‌الله خامنه‌ای وظیفه مهم و اساسی دیگر روحانیت را «حضور هدایت‌گر و نیز میدانی این قشر در عرصه خدمات اجتماعی» می‌داند؛ زیرا حضور روحانیت در این عرصه، زمینه حضور سایر اقشار اجتماعی را نیز فراهم می‌آورد: «حضور طلاب در خدمات‌رسانی به مردم، مدرسه‌سازی، بیمارستان‌سازی، کمک به مردم هنگام حوادث و دیگر عرصه‌ها، نیروهای

مردمی را نیز به صحنه می‌آورد و منشأ خدمات خواهد شد» (بیانات در دیدار مدیران، مدرسان و طلاب حوزه‌های علمیه تهران، ۱۳۹۵/۳/۱۵).

۷. پاسداری از حریم ولایت و حکومت اسلامی

موضوع رهبری و حاکمیت سیاسی، یکی از ضروریات زندگی اجتماعی و مشترکات انسان‌هاست. دین اسلام با اصل قرار دادن عدم ولایت و حاکمیت انسان‌ها بر یکدیگر (نهج البلاغه، نامه ۳۱) و تأکید بر حاکمیت بلامنازع الهی (یوسف: ۴۰)، به ضرورت زمامداری و رهبری در زندگی اجتماعی بشر- توجه داشته است (نساء: ۵۹؛ تمیمی آمدی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۴۵۷). در زمان تأسیس حکومت اسلامی و حاکمیت ولی فقیه در عصر غیبت، اطاعت از ولی فقیه جامع الشرایط به‌عنوان نائب امام معصوم و پای‌بندی به قوانین حکومت اسلامی بر همه مردم واجب است. تبیین این موضوع بر عهده روحانیت به‌عنوان مبلغان دینی است تا مردم را نسبت به وظایف خود آگاه و از حریم ولایت و حاکمیت سیاسی ولی فقیه پاسداری نمایند؛ زیرا به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای «امروز اگر روحانیت در قبال حکومت، بی‌اعتنا و بی‌مبالات باشد، هم خودش ضایع خواهد شد و هم حکومت اسلامی تضعیف می‌شود» (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۴/۹/۱۶).

۸. حفظ اتحاد میان مذاهب اسلامی

اختلاف افکنی میان شیعه و سنی با هدف ایجاد تنش میان مسلمانان و تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران از سالیان طولانی در دستور کار عوامل استکباری قرار داشته است. بازیگران اصلی این فتنه در دهه‌های اخیر غالباً سرویس‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی با همکاری مالی رژیم وهابیت در عربستان سعودی بوده‌اند. در طول این سال‌ها عوامل فتنه مذهبی با دامن زدن به اختلافات میان شیعه و سنی به دنبال بهره‌برداری سیاسی از آن بوده‌اند؛ این در حالی است که با هوشیاری و هدایت روحانیت، شیعه و اهل سنت قرن‌ها در کنار هم برادرانه زندگی کرده‌اند و هیچگاه به دشمنان مشترک خود اجازه سوء استفاده از اختلافات درون دینی نداده‌اند. کما اینکه برادران اهل سنت در صحنه‌های مختلف انقلاب اسلامی در کنار برادران شیعه خود به مبارزه با دشمن استکباری پرداخته‌اند. مقام معظم رهبری با اشاره به زحمات امام در اتحاد مسلمین و تلاش استکبار در

ایجاد اختلاف میان مذاهب اسلامی می‌فرماید:

«یکی از تلاش‌هایی که باید خیلی مراقبت کرد، این است که استکبار می‌خواهد این مرزبندی امام راحل را معکوس کند؛ یعنی خطوط فاصل در دنیای اسلام را پُررنگ کند با جنگ شیعه و سنی، جنگ عرب و عجم، گاهی جنگ شیعه - شیعه و جنگ سنی - سنی که این الان جلوی چشم شما است و در کشورهای مختلف می‌بینید؛ [جنگ] یک جناح سنی با یک جناح سنی، یک جناح شیعه با یک جناح شیعه! این‌ها کار استکبار است، این‌ها کار آمریکا است، این‌ها تحریک آن‌ها است، ... باید مراقب سیاست‌های شیطنی دشمن باشیم (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین اجلاس مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۱/۶/۱۲).

۹. اشراف اطلاعاتی به مسائل روز

آگاهی به مسائل سیاسی - اجتماعی روز از ضروریات حیاتی روحانیت و حوزه‌های علمیه در نظام اسلامی است. علما و روحانیت با توجه به سابقه دیرینه این قشر - در جامعه اسلامی و شیعی ایران که محل رجوع و مورد اعتماد مردم مسلمان ایران در عرصه‌های سیاسی و دینی بوده‌اند، می‌توانند مسیر صحیح اسلام‌خواهی و حق‌طلبی را به مردم بنمایانند و موجب استحکام ایمان در بین آحاد مردم و نهراسیدن از دشمنان گردند. روحانیت تشیع در طول تاریخ به‌عنوان تکیه‌گاهی مطمئن در چگونگی تعامل با حاکمیت و قدرت سیاسی بوده‌اند. پس از طلوع فجر انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ نیز که آرمان قریب به هزار و چهارصد ساله علما و مجاهدت‌ها و ایثارگری‌های ایشان به ثمر رسید، گرچه نوع صورت‌بندی تعامل روحانیت با دولت و قدرت سیاسی دگرگون شد و سیاست فاصله‌گیری از قدرت سیاسی به سیاست حفظ کیان حاکمیت اسلامی در سرلوحه وظایف این قشر - مردمی قرار گرفت اما جایگاه اصیل علما به‌عنوان تکیه‌گاه مردم در حل مسائل سیاسی و اجتماعی همچنان حفظ و تقویت گردیده است. به همین دلیل از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در شرایط کنونی آگاهی صحیح از مسائل اساسی و مشکلات سیاسی، اجتماعی به یکی از رسالت‌های مهم روحانیت به‌ویژه ائمه محترم جمعه تبدیل شده است (بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹).



۱۰. هوشیاری در برابر توطئه دشمنان

امروزه توطئه دشمنان نظام اسلامی پس از گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار پیچیده‌تر و به‌روزتر از گذشته شده است. تهاجمات فرهنگی اجانب از الگوها و روش‌های فوق‌العاده پیچیده و مدرن پیروی می‌کند از جمله این روش‌ها از دیدگاه رهبر انقلاب، انکار اصل توطئه و ترویج اتهام، توهم توطئه در جامعه اسلامی است تا همه مشکلات و کمبودها را متوجه داخل نموده و ناکارآمدی نظام و مسئولان اسلامی را تبلیغ نمایند. در این شرایط از منظر آیت‌الله خامنه‌ای جایگاه خطیر حوزه‌های علمیه ایجاب می‌کند با بصیرت و بینش صحیح دشمن را در هر لباسی که هست شناسایی و به مردم معرفی نمایند و این مهم در راستای وظیفه اساسی علما و روحانیون در هدایت مردم و تبلیغ حقیقت است؛ زیرا «در دنیایی که اساس کار دشمنان حقیقت پر فتنه‌سازی است، اساس کار طرفداران حقیقت باید بر بصیرت و راهنمایی باشد» (بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹).

۱۱. حفظ روحیه جهادی و شهادت‌طلبی

روحانیت متعهد و انقلابی در طول تاریخ تشیع به‌ویژه در تاریخ معاصر، به تعبیر بنیانگذار جمهوری اسلامی در منشور روحانیت، همواره به‌عنوان طلایه‌داران جهاد و شهادت شناخته می‌شوند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۲۷۳). به فرموده امام خمینی علیه السلام روحانیت هیچ‌گاه ابایی از به شهادت رسیدن نداشته است و «از روحانیت راستین اسلام و تشیع جز این انتظاری نمی‌رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم، خود اولین قربانی‌ها را بدهد و مهر ختام دفترش شهادت باشد» (همان). از نگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی تاریخ بیش از هزار و چهارصد ساله اسلام و تشیع گواهی می‌دهد که روحانیت اسلام در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارت‌ها و تلخی‌هایی متحمل شده‌اند و همراه با تحمل اسارت‌ها و تبعیدها، زندان‌ها و اذیت و آزارها و زخم زبان‌ها، شهدای گرانقدری را نیز به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده‌اند:

«علمای اسلام اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبین‌شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی - اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیشکسوت

شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگفرش‌های حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۲۷۳).

۱۲. حفظ وحدت و تقویت تعامل سازنده حوزه با دانشگاه

با شکل‌گیری نهضت رنسانس و پیدایش تمدن جدید و همچنین شکسته شدن مرزهای کهن فکری و فرهنگی، دگرگونی عظیمی در حوزه‌های معرفتی انسان پدید آمد. اندیشه‌وران دوره جدید، تحت تأثیر این جنبش و دگرگونی عظیم، پایه‌های علمی دانش خود را تماماً بر زوایای زندگی عقلانی و حسی بنا نهادند. این جنبش به حدی گسترده و شتابنده بود که همه دستاوردهای علمی و فکری انسان را تحت الشعاع خود قرار داد و با تجاوز به همه مرزهای علوم و معرفت‌های انسانی، به همه چیز رنگ و بوی حس، تجربه، آزمایش و آزمایشگاه داد.

حرکت جدید از همان ابتدا تضادهای بی‌شماری در عرصه‌های مختلف معرفتی پدید آورد. در این فضای بحرانی از یک طرف حقایقی که در قلمرو فراتر از حس و تجربه قرار می‌گرفت، به‌طور نسنجیده مورد انکار واقع شد و از طرف دیگر آموزه‌های انکارناپذیری که نمی‌توانست از نگاه حقیقت‌پژوهان و اندیشه‌های جوال اندیشه‌وران بشری مخفی بماند، گرفتار تحریف و تفسیر غلط گردید. از این رهگذر دین که به اشتباه به‌عنوان رقیب سرسخت تمدن و علوم جدید تلقی گردیده بود، بیش از هر پدیده دیگری مورد آماج تهاجم قرار گرفت. برخی از اساس دوران دین و دیانت را سپری شده اعلام نمودند و حذف کلی آن را از قلمرو زندگی عینی و فکری انسان خواستار شدند و برخی دیگر از سر دلسوزی و به اصطلاح مصلحت‌اندیشی قلمرو ویژه‌ای برای آن تعیین نموده، عدم مداخله آن را در مقدرات و مسائل اساسی زندگی مادی بشر طلب نمودند. در حالی که در تمدن اصیل ما مسلمانان، آن‌چنان علم و دین و حوزه‌های معرفتی آن‌ها در هم تنیده و عجین شده‌اند که هرگونه ستیز، تضاد و دوگانگی در میان آن‌ها موضوعیت ندارد. مسئولیت تبیین این حقیقت بیش از همه بر عهده حوزه‌های علمیه و علمای دینی است؛ مسئولیتی که لازمه تحقق آن، وحدت و هماهنگی میان حوزه و دانشگاه است. از این‌رو بسیاری همچون بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی علیه السلام، همواره به‌عنوان منادیان وحدت حوزه



و دانشگاه گام‌های مؤثری در این راه برداشته‌اند؛ بی‌آنکه اساس دوگانگی میان حوزه و دانشگاه را بخواهند نفی نمایند؛ زیرا حوزه و دانشگاه به‌عنوان دو مرکز فکری و علمی، هر کدام اصول، روش‌ها و ابزار تبلیغی و کاری مخصوص به خود را دارا می‌باشند و دوگانگی به معنای دو شیوه عملکرد و انتظار دو محصول منطقی از این دو پایگاه علمی، منافاتی با وحدت آن دو با یکدیگر ندارد؛ چنانکه مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «وقتی که ما داریم در باب وحدت حوزه و دانشگاه حرف می‌زنیم، بایستی قبل از اینکه به نقطه اشتراک برسیم، به موارد جداگانه و اختصاصی بیشتر برسیم...» (آیت‌الله خامنه‌ای، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۱۱/۴). بنابراین مراد از وحدت حوزه و دانشگاه، ردّ ماهیت جداگانه هر یک از این دو نیست، بلکه ملاک هماهنگی و اتحاد در نحوه عملکردها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی است؛ زیرا در یک نظام اسلامی، حوزه و دانشگاه دو رکن اساسی نظام اجتماعی و سیاسی به شمار می‌آیند و در ساختار روابط اجتماعی تأثیر فراوان دارند، به طوری که شاید بتوان گفت میزان نفوذ و تأثیر این دو قشر در کالبد اجتماع، به مراتب حسّاس‌تر از ارکان‌های دیگر است. علاوه بر آن، تأثیر بخش‌های دیگر نیز به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به کیفیت عملکرد این دو و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر وابسته است. بنابراین، چنانچه بخواهیم از یک جامعه اسلامی مطلوب و توسعه‌یافته برخوردار باشیم، ضروری است میان حوزه و دانشگاه به‌عنوان دو ثقل مؤثر در توسعه نظام اسلامی، وحدت نظری و عملی برقرار گشته و ارتباط صحیح و هماهنگی را با یکدیگر داشته باشند. نتایج هماهنگی و وحدت حوزه و دانشگاه از منظر امامین انقلاب، پیش‌برد اهداف انسانی - اسلامی و حفظ نظام اسلامی خواهد بود؛ نتایجی که روحانیت در تحقق آن نقش کلیدی برعهده دارد.

۱۳. هوشیاری حوزه‌های علمیه نسبت به عناصر نفوذی و لیبرال

یکی از موضوعات مهمی که امام خمینی علیه السلام در منشور روحانیت - که به مانیفست حرکت حوزه و روحانیت در مسیر انقلاب اسلامی معروف شد - به آن پرداخت، هشدار نسبت به نفوذ عناصر غرب‌گرا در بدنه انقلاب است؛ لیبرال مسلمانانی که هیچ اعتقادی به اصل نظام و آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب ندارند. حضرت امام علیه السلام به همه به‌ویژه حوزه‌های علمیه هشدار می‌دهند که باید این عناصر را از صفوف انقلاب جدا کرد و برای خروج این

جریان‌ها و گروه‌ها از قطار انقلاب نباید متأسف بود؛ زیرا آنان هیچ‌گاه تعلق خاطری به نظام و انقلاب نداشته‌اند. بدین ترتیب امام در منشور روحانیت، نه تنها از عدم همراهی برخی جریان‌ها با انقلاب تأسف نمی‌خورند بلکه آن را در راستای مصالح و منافع انقلاب نیز می‌دانند:

«من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست‌ها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن، به راحتی از میان نمی‌رود؛ گرچه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تأیید دوستان قبول نمودم و الان هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی آمریکای جهان‌خوار قناعت نمی‌کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعا هنری ندارند. امروز هیچ تأسفی نمی‌خوریم که آنان در کنار ما نیستند. چرا که از اول هم نبوده‌اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروه‌ها و لیبرال‌ها می‌خوریم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۲۷۳).

اشاره امام خمینی علیه السلام در این فراز از منشور روحانیت به دولت موقت بازرگان و گروهک نهضت آزادی است که در ابتدای پیروزی نهضت، پست‌های کلیدی را در اختیار داشتند اما به دلیل عدم اعتقاد واقعی به اصول انقلاب، تلاش می‌کردند قطار انقلاب را از مسیر واقعی خود منحرف سازند. بررسی عملکرد دولت موقت مهندس بازرگان که از ۱۵ بهمن ۵۷ تا ۱۴ آبان ۵۸ روی کار آمد نشان می‌دهد که او و طیف طرفدارانش نه تنها همراهی مناسبی با انقلاب اسلامی نداشتند بلکه مدام به‌عنوان مانعی بر سر راه نهضت اسلامی و حرکت انقلابی مردم ایران نیز قرار می‌گرفتند. چند ماه قبل از پیروزی انقلاب در مهر ۵۷، مهندس بازرگان در دیداری که در پاریس با امام داشت، تلاش کرد رهبر انقلاب را از اصرار بر مخالفت با حضور آمریکا در ایران پس از انقلاب منصرف نماید! او از امام پرسید: «آقا! ایران سه رکن دارد: شاه، ارتش و آمریکا. شما می‌گویید شاه برود، اولاً کجا برود؟ شاه رفتنی نیست، به فرض برود، با آمریکا و ارتش چه می‌کنید؟ فکر دو رکن دیگر را

کرده‌اید؟!». (رک؛ بازگان، ۱۳۶۲؛ برزین، ۱۳۷۴) انقلابی نبودن بازگان و طرفداران وی و عدم تمایل ایشان برای تغییر ماهیت رژیم شاهنشاهی تا حدی بود که حتی در بعد از ظهر ۲۲ بهمن ۵۷ که آخرین مبارزات مردم علیه حکومت شاهنشاهی در حال انجام و به ثمر رسیدن بود، بازگان هنوز به دنبال راهی برای مصالحه و سازش با حکومت ستم‌شاهی و ختم غائله از طریق مسالمت‌آمیز بود! و لذا بعدها بازگان ضمن ابراز تأسف از عدم ملاقات بختیار با امام خمینی علیه السلام در روزهای انقلاب، غصه می‌خورد که چرا زمینه ملاقات بختیار با امام فراهم نشد و چرا امام وی را تأیید نکرد که نخست‌وزیر بماند! (همان) به همین دلیل پس از اشغال لانه جاسوسی سفارت آمریکا، بازگان و اعضای دولت وی که موافق این حرکت انقلابی در مواجهه با توطئه استکبار در ایران نبودند، به‌طور دسته جمعی استعفا نمودند و امام خمینی علیه السلام هم با پذیرش استعفا آنان، اداره امور کشور را تا زمان برگزاری انتخابات به شورای انقلاب سپردند. مخالفت بازگان با تسخیر لانه جاسوسی در حالی بود که امام با صراحت از این حرکت استقبال نمودند و آن را انقلاب دوم مردم ایران خواندند.

البته گروه غرب‌گرایی چون نهضت آزادی مخالفت‌های خود با اصول انقلاب اسلامی را به حدی رساند که حضرت امام در پاسخ به استعلام وزیر کشور وقت از ایشان در خصوص ادامه فعالیت نهضت مزبور، صلاحیت فعالیت نهضت آزادی را در نظام سلب و خطر آنان را به دلیل ارتباط با آمریکا از منافقین هم بیشتر توصیف نمودند (موسوی خمینی، ۱۳۶۶، نامه امام خمینی به وزیر کشور وقت). امام علیه السلام در منشور روحانیت، به دلیل عدم همراهی جریان نهضت آزادی و طیف لیبرال مسلمانان در آن دوره با حرکت انقلابی ملت ایران، سپردن پست‌ها و امور مهمه کشور به این گروه را که عقیده واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی تلخ خواند و حتی نسبت به آینده انقلاب در برابر چنین تفکراتی هشدار داده و فرمود: «سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی آمریکای جهان‌خوار قناعت نمی‌کنند» (همان).

۱۴. دفاع از نظریه نظام انقلابی

تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر مسئله حفظ هویت انقلاب از طریق انقلابی بودن و انقلابی ماندن همه مردم به‌ویژه قشر روحانیت را باید یکی از مطالبات و دغدغه‌های اساسی ایشان

در مقاطع مختلف دانست؛ آیت‌الله خامنه‌ای همواره تأکید ویژه‌ای بر لزوم صیانت از شور انقلابی، حفظ روحیه انقلابی، انقلابی عمل کردن و انقلابی‌گری داشته‌اند. همین دیدگاه به‌عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر در بیانیه گام دوم انقلاب نیز مورد تأکید و سفارش رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است. این همه تأکید از سوی ایشان برای اثبات قابل جمع بودن عقلانیت سیاسی با انقلاب اسلامی است. از این رو رهبر معظم انقلاب همانند بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، برخلاف دیدگاهی که انقلابی بودن را محدود به دوره پیروزی انقلاب می‌داند، انقلابی‌گری را خصیصه ذاتی و همیشگی انقلاب دانسته و تأکید می‌کند بقاء نظام جمهوری اسلامی که محصول انقلاب اسلامی است، بدون حفظ روحیه انقلابی و عمل به ارزش‌های انقلاب اسلامی میسر نیست. آیت‌الله خامنه‌ای بارها و از جمله در بیانیه مهم گام دوم انقلاب تأکید نموده‌اند، غفلت از شعارهای اصیل انقلاب برای ما زیانبار و موجب عقب‌ماندگی است و هرگاه ما نسبت به این مهم بی‌توجهی داشتیم سرعت پیشرفت خود را گند نموده‌ایم (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، «۱۳۹۷، بیانیه گام دوم انقلاب) ایشان در نهایت می‌فرماید: «انقلاب اسلامی ... به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدلله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند (همان).

بدیهی است تبیین نظریه نظام انقلابی و حفظ و تداوم روحیه انقلابی‌گری در میان مردم و مسئولان بیش از همه بر عهده حوزه‌های علوم دینی و روحانیت انقلابی است.

نتیجه‌گیری

بایسته‌های روحانیت و حوزه‌های علمیه در نظام اسلامی از منظر امامین انقلاب را می‌توان در ابعاد مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار داد؛ اما شاید بتوان کلیدواژه کارکرد روحانیت و حوزه‌های علمیه در نظام اسلامی از منظر رهبران انقلاب را در دفاع ابدی از «نظریه نظام انقلابی» به‌معنای حفظ هویت انقلاب از طریق «انقلابی بودن؛ انقلابی ماندن و انقلابی عمل کردن» خلاصه کرد. امید رهبر معظم انقلاب به روحانیت متعهد و انقلابی است که با

عملکرد انقلابی خویش به پاسداری از آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب و نظام اسلامی برخاسته و ایران عزیز را الگوی کامل یک نظام پیشرفته اسلامی در جهان بسازند؛ رسالت اصلی حوزه‌های علمیه در شرایط کنونی این است که انقلاب را هر چه بیشتر به آرمان متعالی‌اش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و طلوع خورشید ولایت عظمی است، نزدیک نمایند.



فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. بازرگان، مهدی، شورای انقلاب و دولت موقت (سیمای دولت موقت از ولادت تا رحلت)، تهران: مرکز نشر، ۱۳۶۲.
۲. برزین، سعید، زندگینامه سیاسی مهدی بازرگان، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۵.
۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات در جمع طلاب مدرسه فیضیه، ۱۳۶۶/۹/۱۱.
۵. _____، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۵/۵/۱۱.
۶. _____، بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۴/۹/۱۶.
۷. _____، بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۶۸/۱۲/۲.
۸. _____، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در هفتمین اجلاس مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۱/۶/۱۲.
۹. _____، بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیة قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.
۱۰. _____، بیانات در دیدار فرمانده و جمعی از پاسداران کمیته انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۳/۱۸.
۱۱. _____، بیانات در دیدار مدیران، مدرسان و طلاب حوزه‌های علمیه تهران، ۱۳۹۵/۳/۱۵.
۱۲. _____، بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۷۵/۱۰/۱۹.
۱۳. _____، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
۱۴. _____، پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹/۳/۱۰.
۱۵. _____، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۱۱/۴.
۱۶. فوکو، میشل، ایران؛ روح یک جهان بی روح و ۹ گفتگوی دیگر، ترجمه: نیکو سرخوش، افشین جهاننیده، تهران: نی، ۱۳۷۹.
۱۷. لوسین ژرژ، مصاحبه با امام خمینی علیه السلام، روزنامه لوموند، ۶ می ۱۹۷۸م (۱۳۵۷/۲/۱۶)



۱۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، پیام تاریخی حضرت امام خمینی علیه السلام در قالب منشور روحانیت، در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۷.
۱۹. _____، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹.
۲۰. _____، نامه امام خمینی علیه السلام به وزیر کشور در خصوص ممنوعیت فعالیت نهضت آزادی، ۳۰ بهمن ۱۳۶۶.

